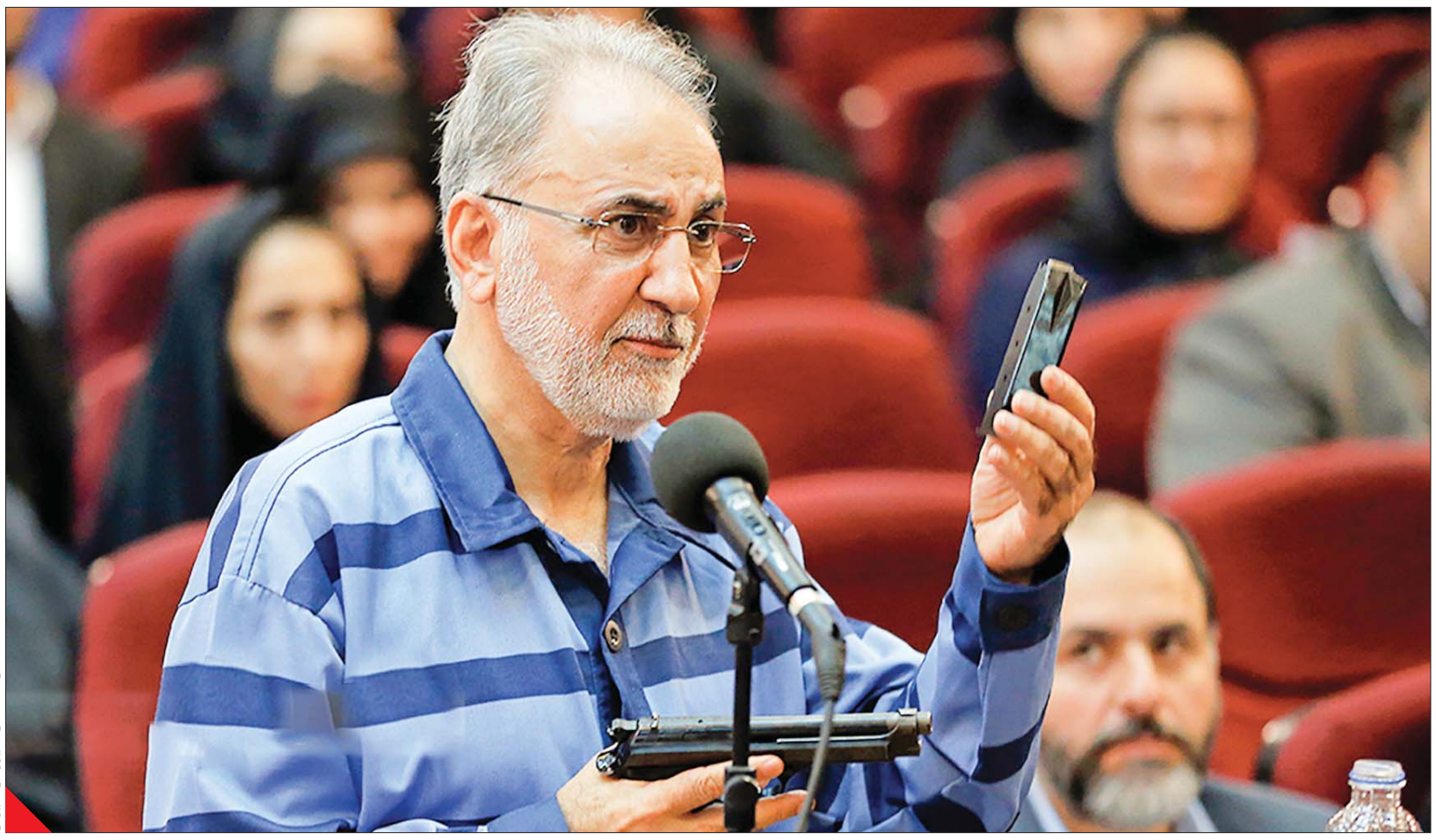

عکس‌ها: حسن شیروانی/میزان

گزارش جلسه دوم محاکمه محمدعلی نجفی

پاسخ به یک اتهام

شرق: دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد، همسر دوم محمدعلی نجفی، در حالی برگزار شد که نجفی ادعا کرد به‌عمد به سوی همسرش شلیک نکرد. کارشناس اسلحه نیز توضیح داد گلوله‌ای که منجر به مرگ میترا استاد شد، مستقیم شلیک نشده و گلوله‌ای بوده که ابتدا به دست میترا برخورد کرده است. در این جلسه وکیل نجفی ابهاماتی را درباره صحنه جرم مطرح کرد و مدعی شد رد ۹ گلوله در صحنه وجود دارد و اینکه گفته می‌شود تعداد گلوله‌ها همان پنج عدد است؛ اما کمانه کرده، جای ابهام دارد.

به گزارش خبرنگار ما، در جلسه اول رسیدگی به این پرونده بعد از اینکه کیفرخواست علیه نجفی خوانده شد و وکلای اولیای‌دم درخواست قصاص را مطرح کردند، داماد، دختر و راننده نجفی در جایگاه قرار گرفتند و مشاهدات خود را شرح دادند؛ اما دادگاه تشخیص داد با توجه به اینکه مهیار، فرزند مقتول، نیز در صحنه حاضر بود، حضور او در جلسه دادگاه الزامی است؛ به‌همین‌دلیل اعلام تنفس کرد تا اینکه صبح دیروز جلسه دوم برگزار شد.

در ابتدای این جلسه بعد از اینکه محمدرضا محمدی‌کشکولی از همکار مستشار خود ترابی خواست تا مفاد ماده ۳۵۲ و ۳۵۴ را بخواند، خواستار حفظ حرمت دادگاه از سوی رسانه‌ها و طرفین پرونده شد. در ادامه از حاجی‌لو، وکیل اولیای‌دم، خواست تا درصورتی‌که حرفی درباره گفته‌های جلسه قبل دارد، بیان کند.

اظهارات وکیل اولیای‌دم

این وکیل گفت: درخواست اولیای‌دم همان قصاص است و من هم دوباره آن را تکرار می‌کنم؛ اما روی صحبتم با آقای نجفی است؛ همان آقایی که وزیر آموزش‌وپرورش بوده، گفته‌های او درباره مهدورالدم‌بودن میترا استاد تیتر روزنامه‌ها شده و به خانواده استاد بی‌احترامی شده است. آقای نجفی، وزیر آموزش‌وپرورش، شما نوک مداد را نشکسته‌اید، شما یک فرد را به قتل رسانده‌اید. این یک قتل ناجوانمردانه بوده. متهم هزینه کلانی در دفترخانه مهرشهر کرج کرد تا میترا استاد را به عقد خودش دربیاورد و با عجله این کار را کرد و حالا مدعی است اشتباه کرده و القا می‌کند که میترا استاد پرستو بود. شما باید پاسخ‌گوی این حرف‌های‌تان باشید.

در این هنگام قاضی کشکولی به وکیل اولیای‌دم تذکر داد و گفت: شما نباید شخصیت متهم را زیر سؤال ببرید و با الفاظ زشت که در شأن دادگاه نیست، درباره او صحبت کنید. به‌کاربردن لفظ ناجوانمردانه در شأن دادگاه نیست. شما وکیل هستید، حقوقی و قانونی صحبت کنید. اگر ادله‌ای دارید، ارائه دهید؛ در غیراین‌صورت براساس تذکری که داده شد، از شما می‌خواهم در چارچوب قانون عمل کنید.

وکیل ادامه داد: مسئله اولیای‌دم که ناراحت‌شان کرده، بحث مهدورالدم‌بودن است که به نظر می‌رسد وکیل معزول متهم به او آموزش داده است؛ بااین‌حال آقای نجفی گفته قصد کشتن نداشته. این دو ادعا با هم تناقض دارد. نکته بعدی درباره رفتار آقای نجفی با مقتول است. بعد از قتل پولی که در حساب آقای نجفی بوده، خالی شده. متهم و اطرافیانش حتی به این توجه نکردند که فرزند مقتول دچار بحران روحی شده است و به مراقبت نیاز دارد و شاید به روانکاوی نیاز داشته باشد؛ حتی پول لکسوزی را که متهم فروخته بود، از حساب خارج کردند که مبادا برای فرزند مقتول استفاده شود؛ ضمن اینکه اولیای‌دم گلایه دارند که چرا خانواده متهم به این بچه سر نزدند.

حاجی‌لو ادامه داد: متهم بهتر است به جای بیان صحبت‌هایی مثل پرستوبودن مقتول و مهدورالدم‌بودن او، عذرخواهی و از اولیای‌دم درخواست بخشش کند. همه می‌دانند در ایران حق طلاق با مرد است. اگر نجفی از زندگی با میترا استاد ناراضی بود، می‌توانست او را طلاق بدهد.

فرزند مقتول چه گفت

سپس قاضی کشکولی از مهیار، فرزند مقتول، خواست تا در جایگاه قرار گیرد و از رسانه‌ها خواست تا از او عکسی منتشر نکنند. مهیار بعد از حاضرشدن در دادگاه گفت متولد خرداد سال ۸۲ است و ادامه داد: روز حادثه ساعت هشت‌ونیم صبح آقای نجفی با حالت عصبانیت من را از خواب بیدار کرد. من با خودم فکر کردم شاید به خاطر بحثی است که شب قبل با مادرم داشت. بعد از اینکه من به مدرسه رفتم و برگشتم، دو نفر را در خانه دیدم که غریبه بودند. آقازاده راننده آقای نجفی هم بود. او به من گفت که چه اتفاقی افتاده است و بعد خانه را گشتیم و جسد مادرم را پیدا کردیم.

مهیار ادامه داد: آقای نجفی گفته بود سلاح دارد؛ اما سلاحش در خانه همسر اولش است. چند باری هم مادرم را با اسلحه تهدید کرده بود.

در این هنگام قاضی از مهیار پرسید چه لزومی داشت که آقای نجفی چنین حرفی بزند و چه زمانی مادرت را تهدید کرد که مهیار پاسخی نداد و سکوت کرد. پسر مقتول سپس گفت: شب قبل از حادثه دایی‌ام خانه ما بود. آقای نجفی و مادرم با هم جروبحث داشتند و دعوا کرده بودند. آنها چند باری با هم دعوا و جروبحث کرده بودند.

سپس پدر مهیار در جایگاه قرار گرفت و گفت با توجه به اینکه فرزندش گفته درخواست قصاص دارد، به‌عنوان قیم او قصاص متهم را درخواست می‌کند.

در ادامه قاضی خطاب به مهیار گفت: در اظهارات آقای نجفی آمده است که مادرت چند باری تو را از خانه بیرون کرده بود؛ اما او (نجفی) واسطه شده و تو را برگردانده است. مهیار پاسخ داد: مادرم همیشه با من مهربان بود و این حرف صحت ندارد.

دفاعیات نجفی

سپس محمدعلی نجفی به جایگاه دعوت شد. قاضی خطاب به او گفت درصورتی‌که آمادگی دفاع دارد و مشکلی ندارد، در جایگاه قرار بگیرد و به سؤالات دادگاه پاسخ دهد. نجفی هم اعلام کرد آمادگی دارد و می‌تواند صحبت کند. او در جایگاه ایستاد و اتهام قتل عمدی به او تفهیم شد.

قاضی گفت: اتهام براساس مدارک موجود در پرونده، اظهارات خودتان در اداره آگاهی و در مرحله بازپرسی و گفته‌های فرزندتان زهرا و همسرش علیرضا و راننده جناب‌عالی، کشف پوکه‌های گلوله‌های شلیک‌شده، همچنین کشف گلوله از بدن مقتول که باعث خون‌ریزی منجر به مرگ شده است، به شما تفهیم می‌شود؛ ضمن اینکه شما متهم به واردکردن صدمه عمدی غیرمنتهی به مرگ و حمل سلاح جنگی غیرمجاز نیز هستید. دفاعیات خود را مطرح کنید.

نجفی گفت: من اتهامات را قبول ندارم؛ البته توضیح می‌دهم که چه اتفاقی افتاد؛ اما من به میترا شلیک نکردم و مرگ او یک حادثه بود. قبل از اینکه دفاعیاتم را شروع کنم، به خانواده استاد تسلیت می‌گویم و می‌دانم تحمل این غم سنگین است. آنچه می‌گویم، نه برای تبرئه خودم؛ بلکه برای روشن‌شدن حقیقت است. من خودم را مقصر می‌دانم؛ ضمن اینکه از شما تشکر می‌کنم که به وکیل اولیای‌دم تذکر داده و جلوی کنایه توهین‌آمیزی را که به سابقه کاری من و شخصیت من شد، گرفتید. درباره صحبت‌های مهیار باید بگویم من به‌هیچ‌وجه مرحوم را تهدید به قتل نکردم و این گفته‌ها اشتباه است؛ ضمن اینکه بحث مهدورالدم‌بودن که در کیفرخواست آمد، از سوی من هم مورد اعتراض است؛ چون من نامه‌ای نوشتم و در همان نامه هم آوردم که دلم نمی‌خواهد به جز چند نفر، دیگران در جریان متن نامه قرار بگیرند؛ اما معاون دادستان بخش‌هایی از نامه را به صورت علنی خواند و رسانه‌ها هم در جریان قرار گرفتند؛ درحالی‌که من آن نامه را برای چند نفر از اعضای خانواده‌ام نوشته‌ام و علنی‌کردن آن کار درستی نبود؛ ضمن اینکه من سلاح غیرمجاز نداشتم. سلاح سازمانی در اختیار من قرار داشت که فراموش کرده بودم مجوز آن را تمدید کنم.

من با مرحوم با توجه به اینکه گفته بود قصد کاندیداتوری برای شورای شهر دارد آشنا شدم و بعد از آشنایی هم هفت ماه به صورت عقد موقت با هم زندگی کردیم. در این مدت به دلیل مشغله کاری زیادی که داشتم هیچ وقت نشده بود به‌درستی همدیگر را بشناسیم و همیشه صحبت‌های ما کلی بود و رابطه ما آنچنان که یک زوج باید همدیگر را بشناسند به دلیل مشغله من امکان‌پذیر نبود. تا اینکه بحث ازدواج پیش آمد و خیلی با عجله عقد دائم اتفاق افتاد. اگر من گفته‌ام که راضی به این ازدواج نبودم، دلیلش این بود که هم من و هم مرحوم همدیگر را نمی‌شناختیم و دیگر اینکه من یک عمل جراحی سنگین داشتم و تا یک ماه بعد از عمل باید زیر نظر می‌بودم، اما مرحوم بسیار اصرار کرد و شرایطی فراهم شد که ازدواج کردیم. زندگی ما خیلی متلاطم آغاز شد و مشکلات بنیادی زیادی با هم داشتیم. به لحاظ اعتقادی و مبانی اخلاقی بسیار تفاوت داشتیم. حدود شش ماه از این ازدواج گذشته بود که من تصمیم به جدایی گرفتم و به مرحوم گفتم که وضعیتی هست که ما باید از هم جدا شویم. او قبول نمی‌کرد.

نجفی به بخش‌هایی از گفته‌های وکیل اولیای‌دم درباره اینکه حق طلاق با مرد است، اشاره کرد و گفت: من هم می‌دانم حق طلاق با مرد است، اما زمان عقد مرحوم از من خواست حق طلاق را به او واگذار کنم که قبول نکردم و گفتم حق طلاق نمی‌دهم اما اگر روزی تو به این نتیجه رسیدی که از من جدا شوی می‌پذیرم و اگر روزی من به این نتیجه رسیدم قطعا تو را قانع می‌کنم تا جدا شویم. به دلیل قولی که در آن زمان به او داده بودم، نمی‌خواستم رأسا برای طلاق اقدام کنم و می‌خواستم راضی شود. ما بارها درباره طلاق با هم صحبت کرده بودیم. قبول نمی‌کرد و می‌گفت عاشق من است. من هم البته ابتدا به او علاقه داشتم اما بعد از اینکه اختلافات بین ما شروع شد متوجه شدم این راه به نفرت می‌انجامد و می‌خواستم درحالی‌که هنوز برای هم احترام داریم، از هم جدا شویم. چندبار به او گفتم فرصت دوماهه بدهی همه مهریه‌ات را می‌دهم و با هرکسی که تو قبول داری قرار می‌گذاریم و واسطه این طلاق می‌کنیم. قبول نمی‌کرد. من از خانواده مرحوم فقط با برادرش که در دادگاه حضور دارد ارتباط داشتم. قصدم این بود که درباره جدایی با او صحبت کنم. چند روز قبل از حادثه میترا به من گفت دیگر حرف طلاق را نه به من بگو نه به کسی دیگر. حتی می‌خواستم به دوستان مشترکی که مرحوم قبول داشت و حرفشان را گوش می‌کرد، بگویم که او را قانع کنند از هم جدا شویم، اما قبول نکرد. تا اینکه یک هفته قبل از جابه‌جایی منزل طبق معمول ما با هم درگیری داشتیم، خواهر و برادر مرحوم بودند که مرحوم دوباره با حرف‌های خیلی تندی من را خطاب قرار داد و من برای اینکه جواب ندهم از خانه خارج شدم. اینکه با زنی با بی‌احترامی برخورد کنم حال خودم را خیلی بد می‌کرد. یکی، دو بار هم که برخورد فیزیکی با هم داشتیم، من بعد از آن به‌شدت حالم بد شد چون تا به حال در زندگی‌ام با هیچ زنی حتی با بی‌احترامی هم صحبت نکرده بودم. بعد از اینکه از خانه خارج شدم وسایل را آوردیم. در این یک هفته که در خانه جدید بودیم، جر و بحث ما زیاد بود تا اینکه شب حادثه برادر مرحوم برای شام به خانه ما آمد. ایشان هم با توجه به حرف‌هایی که بین ما ردوبدل می‌شد متوجه درگیری و دعوای ما شد، اما به هر حال چند ساعت بعد رفت. بعد از رفتن برادر مرحوم وی دوباره حرف‌های بد را نسبت به من شروع کرد. من به اتاق خواب رفتم که بخوابم و جواب ندهم. او پشت سر من آمد و دوباره شروع کرد تا ساعت ۳ صبح حرف‌های خیلی بدی به من زد. خودش همیشه می‌گفت وقتی عصبانی می‌شود دست خودش نیست و نمی‌تواند خودش را کنترل کند و من هم به‌وضوح این را مشاهده کرده بودم. ساعت ۳ خوابیدم و او هم به اتاق دیگری برای خواب رفت و ۸ صبح من آقا مهیار را بیدار کردم.

کارشناس اسلحه: سه گلوله‌ای که به دیوار برخورد کرده‌اند، فاصله کمی دارند؛ این گلوله‌ها کمانه کرده و به سقف برخورد کرده‌اند بنابراین جای سه گلوله دیگر اضافه می‌شود. گلوله‌ای هم با دست مقتول برخورد کرده که همان گلوله (از کف دست چپ) خارج شده و به سینه او برخورد کرده است

من همیشه با او مثل پسر خودم برخورد کردم. نمی‌دانم این حرف را که با تندی و عصبانیت او را بیدار کردم چرا حالا می‌گوید چون هرگز با او بدرفتاری نکردم و مادرش همیشه می‌گفت کارهایی که تو برای مهیار کردی پدر خودش نکرده و این موضوع را حتی به اعضای خانواده‌اش هم گفته بود. خواستم مهیار صبحانه بخورد و بعد سر امتحان برود. بعد از اینکه مهیار رفت مرحوم دوباره شروع کرد و خیلی حرف‌های بدی به من زد تا اینکه وارد حمام شد. گفتم بعد از حمام درباره طلاق صحبت کنیم، گفت من می‌خواهم جایی بروم، گفتم کجا گفت به خودم مربوط است. این مسئله یک کد میان ما بود، وقتی می‌گفت خودم می‌دانم کجا بروم، من فهمیدم منظورش چیست. به سمت اسلحه رفتم و آن را برداشتم. بالش را جلوی اسلحه گرفتم، قصدم این بود که مرحوم را بترسانم و بگویم پایان راهی که می‌رویم اسلحه است بیا جدا شویم. در را که باز کردم سینه‌به‌سینه شدیم و او جلوی من قرار گرفت، یک‌دفعه سلاح را که دید، ترسید دستانش را به سمت من گرفت و سعی کرد مانع شود. من متوجه نشدم اسلحه مسلح است، چندبار گفتم میترا ول کن ما در کشاکش بودیم و چند تیر شلیک شد. گفت علی باشه درستش می‌کنم، گفتم من را ول کن. هیچ تسلطی روی سلاح نداشتم و مدام تیر شلیک می‌شد که یک‌دفعه رها کرد و داخل وان افتاد. دستم را که به صورتش زدم فهمیدم تمام کرده است. گیج و سردرگم بودم. با راننده‌ام تماس گرفتم و از او خواستم بیاید. بعد نامه‌ها را نوشتم و کیف را به او دادم که به دخترم برساند. او بود که به من گفت پایم خونی شده است. من به خانه رفتم. لباس‌هایم را عوض کردم. می‌خواستم خودکشی کنم. به قم رفتم و به مزار پدرم و پدربزرگم رفتم و بعد هم به حرم حضرت معصومه (س) رفتم و بعد به تهران برگشتم. در قم از واکنشی که یکی، دو شهروند نشان دادند، فهمیدم که ماجرا مشخص شده است. در مسیر برگشت تلفن همراه راننده را که مرا می‌رساند گرفتم و با تلفن همسر اولم تماس گرفتم، اما زهرا دخترم جواب داد. به آنها گفتم که به آگاهی شاپور می‌روم و مقابل در آگاهی پیاده شدم. داشتم وارد آگاهی می‌شدم که یک سرهنگ گفت آقای دکتر می‌خواهی به آگاهی بروی؟ گفتم بله گفت بیا ترک موتورم بنشین با هم برویم. من را ترک موتور سوار کرد و داخل برد. بعد هم رئیس اداره که فردی بسیار محترم است، آمد و با من صحبت کرد و اظهارات اولیه را نوشتم. به من گفتند با صداوسیما مصاحبه کن. قبول نکردم، دوست نداشتم. گفتند گفته شده تو از کشور خارج شدی و بیا و این را تکذیب کن. من هم گفتم برای تکذیب این موضوع مصاحبه می‌کنم. اما به‌طور کلی آن مصاحبه اصلا میل من نبود و به من گفتند شایعاتی درباره من است که تکذیب کردم. ضمن اینکه متن بازجویی و مصاحبه‌های من هست، من جایی نه گفته‌ام که مرحوم پرستو بوده و نه مهدورالدم، هرکسی گفته آقای وکیل با او صحبت کند. من نمی‌توانم دراین‌باره جوابی بدهم. من بارها گفته‌ام قصد قتل نداشتم، حالا هم می‌گویم اصلا گلوله را شلیک نکردم، اینکه گلوله چطور به مرحوم برخورد کرده نمی‌دانم. حتی در بازداشتگاه سه نفر به من گفتند می‌خواستی بکشی چرا به دیگری نسپردی؟ گفتم من قصد کشتن نداشتم. عذر می‌خواهم که این‌طور می‌گویم حتی بازپرس بحث مهدورالدم‌بودن را چندبار از من پرسید، طوری که به من القا شود، با اینکه می‌دانستم ممکن است کمکی باشد، قبول نکردم و گفتم حتی اگر این مسئله هم مطرح بود، قتل او کار من نبود و قاضی باید تعیین کند نه من. به خانواده مرحوم هم گفتم که اگر قصاص می‌خواهند چون خودم را مقصر می‌دانم مخالفتی نمی‌کنم.

نجفی در پاسخ به این سؤال که چرا خودکشی کرده بود، گفت: چند ماه قبل از این حادثه به خاطر فشار شدید روانی که مرحوم به من وارد می‌کرد خودکشی کردم. بعد که نجات پیدا کردم دوستانم با من درباره‌اش صحبت کردند و از گناه شرعی آن گفتند و علت اینکه بعد از قتل هم از خودکشی منصرف شدم همین مسئله بود. من و مرحوم درگیری زیاد داشتیم. به گفته خودش او سه بار زمانی که با همسر اولش زندگی می‌کرد، خودکشی کرده و یک‌بار هم وقتی با من دعوا کرد، خودزنی کرد که به اورژانس خبر دادیم و پلیس هم صورت‌جلسه کرد.

نظر کارشناس اسلحه

سپس سرهنگ عزتی، کارشناس ارشد اسلحه، در جایگاه قرار گرفت. او درباره صحنه جرم گفت: پنج گلوله پیدا شده که سه گلوله به دیوار برخورد کرده؛ یکی منجر به مرگ میترا استاد شده و یکی هم به کمد روشویی برخورد کرده است. سه گلوله‌ای که به دیوار برخورد کرده‌اند، فاصله کمی دارند؛ این گلوله‌ها کمانه کرده و به سقف برخورد کرده‌اند بنابراین جای سه گلوله دیگر اضافه می‌شود. گلوله‌ای هم با دست مقتول برخورد کرده که همان گلوله (از کف دست چپ) خارج شده و به سینه او برخورد کرده است. با توجه به اینکه احتمالا مقتول قوی‌هیکل یا ورزشکار بوده، عضلات بسیار قوی داشته و گلوله خمیده شده و از بدن خارج نشده است.

سپس قاضی از میان سه اسلحه‌ای که روی میز بود، از نجفی خواست که اسلحه خودش را بردارد که نجفی به درستی اسلحه را برداشت و در دست گرفت. او گفته‌های کارشناس اسلحه را تأیید کرد و گفت: سرهنگ درست می‌گویند؛ من خودم هیچ شلیکی نکردم و گلوله‌ها حین درگیری شلیک شد.

در ادامه قاضی از کارشناس اسلحه خواست که نظر نهایی خود را دوباره بگوید. او گفت: همان‌طور که گفتم سه گلوله کمانه کرده؛ یک گلوله هم از دست مقتول رد شده و به سینه برخورد کرده و شلیک غیرمستقیم بوده است و نوع قرارگرفتن جای گلوله‌ها نشان می‌دهد که متهم تعادل نداشته و نمی‌توانسته در حالت متعادل شلیک کند.

نجفی هم گفت: من قرار بود با شهید چمران در لبنان باشم. زمانی که در آمریکا بودم، دوره استفاده از اسلحه را دیده بودم؛ بنابراین کار با اسلحه را بلد هستم. اگر می‌خواستم مرحوم را به قتل برسانم مستقیم شلیک می‌کردم نه اینکه پنج گلوله شلیک کنم که به دیوار و سقف برخورد کند.

دفاعیات وکیل

سپس گودرزی، وکیل نجفی، در جایگاه قرار گرفت. او ضمن بیان اینکه افراد زیادی از شهروندان و معلمان به او مراجعه کرده و گفته‌اند که حاضر به پرداخت بخشی از حق‌الوکاله او هستند، فقط خواسته‌اند از نجفی به خوبی دفاع شود، گفت: جامعه به این راحتی به کسی تشخص نمی‌دهد و این شخصیت را یک قربانی می‌دانند. او سپس به چند نکته در پرونده اشاره کرد و گفت: جای ۹ گلوله در صحنه و روی بدن مقتول وجود دارد اما گفته می‌شود پنج گلوله شلیک شده است. روز حادثه یک فرد را که در محل پرسه می‌زده است، بازداشت می‌کنند و بلافاصله آزاد می‌شود. سلاحی که سازمان ذی‌ربط اعلام کرده در اختیار دکتر نجفی قرار داده، با مشخصات سلاحی که از آن گلوله شلیک شده متفاوت است. در محل قتل دکمه‌های یک پیراهن مردانه پاره‌شده کشف شده در حالی که نجفی در آن روز تی‌شرت بر تن داشته است. این ابهامات جدی است و باید به آن رسیدگی شود. من قصد ندارم تحقیقات را زیر سؤال ببرم اما درخواست دارم ابهامات برطرف شود.

گودرزی گفت: سلاح در دست خبرنگار صداوسیما چه می‌کرد؟ مثل یک کهنه‌سرباز گلوله‌ها را جدا کرده و به مردم نشان می‌دهد. به ما گفتند اسلحه کارشناسی شده بود، در حالی که تاریخ موجود در پرونده نشان می‌دهد اسلحه دو روز بعد برای کارشناسی فرستاده شد. در بازسازی صحنه هیچ ردی از گلوله‌ای که به دست برخورد کرده نیست. این چه صورت‌جلسه‌ای است که در بازسازی صحنه رد زخم دست مقتول نیست اما در معاینه پزشکی هست. معاینه پزشکی جای گلوله را بیضی اما کارشناس اسلحه آن را گرد عنوان کرده است! اینها همه ابهاماتی است که باید مشخص شود و نواقص مهمی است.

با توجه به این اظهارات قاضی کشکولی اعلام کرد در جلسه آینده کارشناسی را که وکیل نجفی گفته است به دادگاه دعوت خواهد کرد. قاضی گفت: آنچه گفته‌اید در جلسه آینده با دقت تک به تک مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته شما قاضی جنایی بودید و کتاب‌های جنایی هم نوشته‌اید و ظاهرا این امر روی شما تأثیر هم داشته است. هرچند کارشناس اسلحه دقیق به سؤالات شما پاسخ گفت و آقای نجفی هم اسلحه را شناسایی کرد اما جلسه آینده ما کارشناس مورد ادعای شما را احضار می‌کنیم و کارشناسان دیگر اسلحه نیز به طور دقیق ابهامات را مشخص می‌کنند.

به این ترتیب ادامه رسیدگی به پرونده به دوشنبه هفته آینده موکول شد.

کارشناس اسلحه در جلسه دادگاه

پاسخ سرپرست دادسرای تهران به ابهامات وکیل نجفی

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران گفت: آقای نجفی اتهامات وارده را قبول دارد، اما وکیل او القائات دیگری دارد و سوار بر موج‌هایی می‌شود که برخی افراد در فضای مجازی راه انداخته‌اند.

به گزارش فارس، محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران، در جمع خبرنگاران درباره صحبت‌های وکیل نجفی مبنی‌بر وجود دو ضارب در پرونده گفت: نجفی اتهامات وارده را قبول دارد و می‌گوید قتل با یک سلاح بوده ولی وکیل او القائات دیگری دارد و سوار بر موج‌هایی می‌شود که برخی افراد در فضای مجازی راه انداخته‌اند، مبنی‌بر اینکه نکند فرد دیگری هم باشد. سرپرست دادسرای جرائم جنایی ادامه داد: نجفی با صداقت آمده و اعتراف کرده است. او درباره مفاد نامه نگاشته‌شده ازسوی نجفی به سازمان بازرسی کل هم گفت: این موضوع اصلا ربطی به پرونده ندارد. شهریاری در پاسخ به سؤالی مبنی‌بر اینکه احتمال دارد دو ضارب وجود داشته باشد؟ گفت: خود آقای نجفی می‌گوید نبوده است. او در پاسخ به این سؤال که آیا ۹ گلوله شلیک شده است، گفت: این موضوع صحت ندارد. وکیل متهم سعی بر القای برخی مطالب دارد. کارشناس ارشد اسلحه گفته سه گلوله شلیک شده است که به دیوار و سقف خورده است و کمانه شده است، اما وکیل برعکس می‌گوید که یک گلوله به کمد خورده و یکی هم به دست مقتول خورده که می‌شود پنج گلوله. اگر بخواهیم مکان‌ها را بررسی کنیم باید کمانه‌ها را ضرب در دو کنیم و ضربه به دست‌ها هم حساب شود که می‌شود ۹ گلوله، اما این درست نیست.

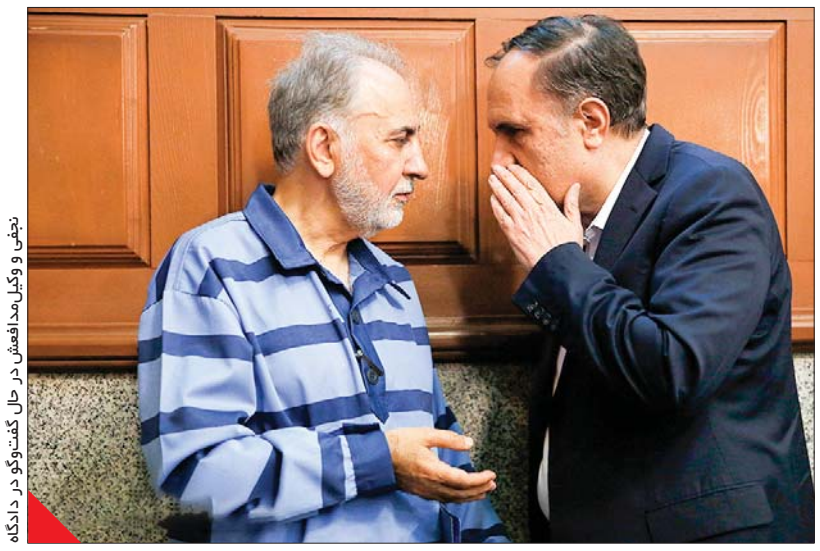

نجفی و وکیل مدافعش در حال گفت‌وگو در دادگاه